

اسلام النور انجمن



انسان شناسی

یادداشت‌های پایان قرن

زهره روحی

ناشر: انسان شناسی

طراح جلد و صفحه‌آرا: علی قربی

ویراستار: اسما کرجی

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۹۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸-۰۰۹۵-۴

نشانی انتشارات: تهران، خیابان لبافی‌نژاد، تقاطع فخر رازی، پلاک ۲۰۰، طبقه اول

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۸۶۵۳۵ | ۰۲۱۶۶۴۹۱۸۸۷

پست الکترونیک: anthropology.pub@gmail.com

کلیه آثار منتشره این انتشارات در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید نشر انسان‌شناسی نیست.

سروش‌نامه: روحی، زهره، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: یادداشت‌های پایان قرن / زهره روحی؛ ویراستار اسما کرجی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات انسان‌شناسی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۷۸ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸-۰۰۹۵-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۶۹] - ۲۷۱.

یادداشت: نمایه.

موضوع: جامعه‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها: Sociology -- Addresses, essays, lectures

موضوع: فلسفه -- مقاله‌ها و خطابه‌ها: Philosophy -- Addresses, essays, lectures

رده‌بندی کنگره: HM ۶۰۶

رده‌بندی دیویی: ۳۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۸۶۲۹۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

فهرست

۷	مقدمه
۱۷	فصل اول: اقتدار، اتوریته و فرهنگ
۱۷	۱. هویت در فرهنگ و زندگی روزمره (بررسی محلی)
۲۵	۲. آرنت و پیروش از اتوریته
۳۳	۳. ساختارشکنی از اقتدار دولت در جامعه‌شناسی پیر بوردیو
۴۹	فصل دوم: هرمنوتیک و ساختار
۳۹	۱. رابطه هرمنوتیک و ساختار
۶۲	۲. هرمنوتیک دیلتای: بیان رابطه انسان در زندگی
۷۳	۳. تقدیر ساختارگرایی آلتوسر و پیامدها
۸۵	فصل سوم: امتزاج افق‌ها
۸۵	۱. سقراط و آلن دوباتن؛ دشواری‌های نداشتن محبوبیت
۱۰۰	۲. سوژه آلن تورن و گریز از امر کلی
۱۱۲	۳. نیچه و متفکران خلاق یونان باستان
۱۲۷	فصل چهارم: اصالت وجود
۱۲۷	۱. شهسوار ایمانی و ترک نامتناهی
۱۳۷	۲. ماکس وبر، متفکر وجودی مدرنیته
۱۵۳	۳. هایدگر و همگان
۱۶۵	فصل پنجم: روانکاوی فروید
۱۶۵	۱. فروید، فرهنگ و تمدن
۱۷۵	۲. زندگی با اشتباهات لبی
۱۸۷	۳. مبانی فراروان‌شناسی فروید در تابلوهای زنجیره‌ای مونه
۲۰۳	فصل ششم: مدرنیته: مارکس، وبر و هاروی
۲۰۳	۱. مدرنیته، مارکس و وبر
۲۲۳	۲. هاروی و بدتمدنی («رابطه‌مندی»، اساس درک هستی و چیزها)

مقدمه

کتاب حاضر گزینشی است از نقد و بررسی برخی از نظریات مدرن که در طی دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ به آزمون درآورده‌ام. هدف از جمع‌آوری و ارائه این مجموعه ترکیبی - گزینشی که به صورت نقد و بررسی کتاب‌ها انجام گرفته است، جلب نظر مخاطبین نسبت به موضوعات یا شاید بهتر باشد بگوییم گفتمان‌هایی است که در دهه‌های پایانی قرن چهارده خورشیدی مورد توجه جامعه‌شناسان، متفکران، مترجمان، پژوهشگران، ناشران و نیز جامعه کتاب‌خوان ایرانی بوده است و از آنجا که در آخرین سال قرن چهارده به سر می‌بریم این مجموعه را «یادداشت‌های پایان قرن» می‌نامیم.

اگر بپذیریم که در سال‌های قبل از انقلاب پنجاه و هفت (۱۳۵۷)، صرف‌نظر از جزوه‌های ترجمه شده جلد سفید که به مباحث سوسیالیستی و کمونیستی (و معمولاً مارکسیستی و لنینیستی) - که به صورت زیرزمینی بین روشنفکران سیاسی و انقلابی دست‌به‌دست می‌گشت - عمده‌ترین تألیفات و ترجمه‌ها در قلمرو عمومی در دهه‌های ۱۳۴۰ خورشیدی تا قبل از سال‌های پایانی ۵۰، رمان‌هایی بوده است که به اصطلاح آن ایام بر مدار نگرش‌های ضد امپریالیستی غرب می‌چرخیدند و منظور آن دسته از آثاری است که در ایران با توجه به جنگ

سرد بین ابرقدرت‌های غرب و شرق بر علیه حکومت و نظام‌های دیکتاتوری تولید می‌شدند (همان ادبیاتی که برخی آن را ادبیات کارگری می‌گفتند) و پس از انقلاب هم به سرعت از رفق افتادند، شاید در قیاس با آن بتوان گفت فعالیت دوباره مدار تألیف و ترجمه، تنها پس از آرام شدن طوفان شدید و هولناک انقلاب فرهنگی بود که صورت گرفت؛ یعنی بعد از چند دهه پس از انقلاب که به‌طور مشخص می‌توان گفت در دهه‌های پایانی قرن چهارده خورشیدی است که این فعالیت از نور رق می‌گیرد....

اما نکته جالب اینجاست که این بار این فعالیت، بر گرد دانش‌های افشاگرانه و انتقادی علوم اجتماعی و انسانی مدرن از سوی متفکران مدرنیته انتقادی غرب (به اصطلاح پسا مدرن غرب) است که انجام گرفته است. به بیانی اکنون در قلمرو عمومی با مخاطبانی مواجه می‌شویم که گویی اشتیاق به دانستن ماهیت جامعه و قدرت و سازوکارهایی دارند که از نگاه افشاگرانه متفکران انتقادی غرب انجام گرفته است. به بیانی دقیق‌تر همان متفکرانی که به نقد مدرنیته استعماری غرب پرداخته‌اند و نکته مهم اینکه در قلمرو عمومی ایران، مؤلفان، مترجمان و پژوهشگرانی که اقدام به این وظیفه مهم کرده‌اند، فقط به دلیل صرف انجام وظیفه نبوده است، بلکه از حیث هستی‌شناختی انضمامی، خود آن‌ها نیز به عنوان جزئی از این مدار تاریخی و اجتماعی در این برهه زمانی خاص، در مقام مخاطب زمانه، پیشاپیش حضور و مشارکت داشته‌اند. به بیانی نیاز، نیاز خود آنان نیز بوده است...؛ اکنون دیگر نیازی به ترجمه‌های زیرزمینی مباحث سوسیالیستی، مارکسیستی یا دیگر اندیشه‌های چپ نیست؛ زیرا به آسانی می‌توان آن‌ها را با ترجمه‌هایی بسیار خوب در کتاب‌فروشی‌ها پیدا و خریداری کرد و از قضا، ناشران با اعتباری نیز همراه با برخی از مترجمان روشنفکر، به انجام آن کوشیده‌اند؛ اما همان‌طور که گفتیم آنچه در کنار این آثار در قلمرو عمومی دیده می‌شود، اشتیاق و توجه به ترجمه، تألیف و پژوهش آثار متفکران انتقادی مدرنیته است که از سوی

برخی اساتید دانشگاهی و نیز روشنفکران چپ در قلمرو عمومی انجام گرفته است و از این حیث قلمرو عمومی را (حتی اگر روشنفکری باشد) به چهره «انتقادی - علمی» جدیدی ارتقاء داده است. به بیانی از هیجانات کاسته است و به بارگیری و بهره‌وری علمی روی آورده است...

اما لازم است همین جا بگوییم که این مسئله که به گفته برخی، «کتاب‌خوان‌هایی جدی» در سال‌های اخیر نداشته‌ایم، بحث و بررسی خود را در حوزه‌ای دیگر می‌طلبد. مهم در اینجا توجه به ژانر یا موضوعیت آثار جدیدی است که جایگزین رمان‌های سوسیالیستی یا به اصطلاح آن روزگار، «انقلابی» شده‌اند و در طی چند دهه پایانی قرن چهارده خورشیدی چاپ و منتشر شده‌اند و مورد توجه قشر روشنفکری بوده است؛ حتی اگر این آثار تیراژ و فروش بالایی نداشته باشد.

باری، کتاب حاضر هفت فصل دارد که در هر کدام به نمونه‌هایی از موضوعات مورد توجه گروه نام‌برده (مؤلفین، مترجمین، پژوهشگران، ناشران و مخاطبین) در طی این سال‌ها پرداخته‌ام؛ به عنوان مثال در فصل اول که تحت عنوان «اقتدار، اتوریته و فرهنگ» نام دارد چهار مقاله گنجانده شده است که هر کدام برآمده از نیاز جامعه مدنی و بحث و گفتگو درباره آن‌هاست که معمولاً به وسیله گروه‌های روشنفکری و تحصیل کرده پرسشگری پیش کشیده شده‌اند؛ سخن از ضرورت و نیازی است که صرف نظر از ضرورت علمی آن نظریات در محافل دانشگاهی، در عین حال با طرح و انتشار آن‌ها در قلمرو عمومی، خواسته یا ناخواسته قدرت کنشگری در این قلمرو را نمایان می‌کند؛ حتی اگر از نظر مؤلف یا مترجم یا پژوهشگر، هدف، دستیابی به قلمروی عمومی آزاد برای همگان و رشد سطح آگاهی و دانش در جامعه مدنی، باشد.

از سوی دیگر با توجه به دیدگاه «ساختار شکنانه» پی‌یر بوردیو در برابر «اقتدار دولت» (در مقام نظریه‌ای دانشگاهی)، می‌توان به شکل عملی، آموزه‌های او را در نحوه اندیشیدن و پی‌جویی مداوم از مراجع قدرت در قلمرو عمومی به کار

بست و همان طور که دیده‌ایم این امر به‌طور نسبی در قلمروی عمومی ایران از سوی اساتید و روشنفکران تحصیل‌کرده انجام گرفته است و بدین طریق آن نظریات به‌منزله ابزار کار در قلمروی عمومی، فراخوانده شده‌اند. در این مورد به‌خصوص همچنین می‌باید به نقد و بررسی‌هایم از آثار فوکو در کتاب آزمون‌اندیشه‌های انتقادی معاصر (انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷) اشاره کرد...؛ هانا آرنت هم یکی از متفکرانی بوده که مورد توجه مترجمان و پژوهشگران چند دهه اخیر بوده است. با ترجمه دیدگاه و نظریات وی که درباره «اتوریته»، «آزادی»، «حیات ذهن»، «توتالیتاریسم» انجام گرفته است می‌توان در جستجو و کندوکاوهایش سهم شد و آن‌ها را با توجه به تجربه‌های اجتماعی و تاریخی خود بررسی کرد و همه این‌ها در قلمروی عمومی و غیردانشگاهی است که انجام می‌گیرد. لب‌گلام به نظر می‌رسد این قلمروی عمومی است که به‌طور نسبی، نسبت به دانشگاه‌ها از پویایی و سرزندگی برخوردار است. حال آنکه دانشگاه‌ها به‌طرز اسفناکی از آن، جا مانده‌اند و جالب آنکه با توجه به چنین عملکردهایی می‌توان گفت که قلمرو عمومی از این توانایی برخوردار بوده است تا همواره از کنترل و نظارت دانشگاه‌های بسته و عقب‌مانده خود را بیرون کشد و اندیشه‌های انتقادی و درعین حال علمی را بی‌نیاز به انتشارات دانشگاهی، جدا از چاپ و انتشار در کتاب‌ها و مجلات غیررسمی و خصوصی، از طریق شبکه‌های اجتماعی گسترده، به اشکال مختلف بازتولید کند.

وانگهی از یاد نبریم با توجه به عملکرد بسته و متحجر سیاست‌های دانشگاهی در قلمرو رسمی، زمانی که سخن از ضرورت ترجمه، چاپ و انتشار برخی دیگر از نظریات علوم انسانی در قلمرو عمومی می‌شود، این نیاز می‌تواند، از حیث نظریات دانشگاهی و علمی مانند بحث‌های فلسفه «هرمنوتیکی» یا رابطه «هرمنوتیک» و «ساختار» یا بررسی نظریات ساختارگرایان باشد که به‌وسیله مؤلفان، مترجمان و ناشران در قلمرو عمومی انجام گرفته است. از این رو دو مقاله (نقد و بررسی) به این

فصل نیز اختصاص داده‌ام؛ زیرا همان طور که گفتیم و شاهد بوده‌ایم در اواخر نیمه دوم قرن چهارده خورشیدی، تلاش‌های آکادمی مدرنی از سوی اساتید دانشگاه‌ها و نیز روشنفکران تحصیل کرده‌ای صورت گرفت که بر اساس اش مقوله‌هایی همچون ماهیت و خاستگاه فهم، معرفت، جامعه و ساختارهای قدرت، برای اقشار غیردانشگاهی‌ای که دوستدار این گونه دانش در قلمرو عمومی بوده‌اند و در خارج از محیط دانشگاه‌ها به سر می‌بردند، لازم شمرده شد. عمل این گروه از مؤلفان، مترجمان و پژوهشگران به دلیل دانش گسترتری در قلمرو عمومی مسلماً قابل احترام و از حیث جامعه‌شناسی با اهمیت است؛ زیرا از جنبش خودجوش علوم انسانی و علوم اجتماعی در خارج از حوزه دانشگاه خبر می‌دهد.

به لحاظ نظری دانش‌هایی همچون هرمنوتیک و ساختارگرایی، به موازات فلسفه نظم اشیای فوکو یا جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو (که هر دو در جستجوی مراجع قدرت‌اند) به ما نشان می‌دهند که فهم و معرفت، نظم و نهادها (در هر شکل و نوع‌اش) امری خودبه‌خودی یا چیزی «در آنجا» نیست که بتوان آن را دانمند، غیرتاریخی یا به اصطلاح بوردیو طبیعی و بدیهی تلقی کرد و از قضا اشتیاق به دانستن همین مطالب و نکته‌های تأمل‌برانگیز «بدیهیات» است که به جنبش علوم انسانی و علوم اجتماعی در قلمرو عمومی خارج از حیطه دانشگاه‌ها قدرت و غنایی فرهنگی داده است. سخن از دانشگاه‌هایی است که به شکلی افراط‌آمیز و غیرقابل تحمل تحت چارچوب تنگ‌نظرانه قلمرو رسمی درآمده‌اند و به منزله بلندگوی آن سخن می‌گویند....

اما بازگردیم به معرفی کتاب، در فصل سوم که به امتزاج افق‌ها می‌پردازیم؛ نظریات نیچه را در مصاف با اندیشه متفکران یونان باستان و نیز اندیشه دوباتن در مصاف با سقراط و جستجوی آلن تورن در جهت بقایای سوژه دکارتی را پی خواهیم گرفت. در واقع آنچه در این فصل انجام می‌گیرد، رویارویی افق تاریخی متفکران پیشامدرن، مدرن و پسامدرن در برابر یکدیگر است. به نظر می‌رسد